

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران

حوزه علمیه الزهرا(س)

شهرستان شیراز

سطح دو

عنوان:

علل آسیب های رفتاری در خانواده و راهکارهای

مقابله با آن

پژوهشگر:

نجمه السادات موسوی نسب

تابستان ۹۴

چکیده

در این مقاله نخست به عوامل موثر بر تعارض ها و اختلاف های خانوادگی از منظر آموزه های اسلامی بررسی شده است. سپس به راهکار های حل اختلاف های خانوادگی بر اساس تعالیم اسلام پرداخته می شود. عوامل موثر بر تعارض های خانوادگی علت های متفاوتی دارد، از جمله: ۱- عوامل روانشناختی ۲- عوامل اجتماعی و فرهنگی ۳- عوامل اقتصادی ۴- عوامل جسمانی و بدنی ۵- عوامل دینی. که مهمترین مورد، عوامل اقتصادی است. تحقیقی در ایران نشان داد از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بیکاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام کرده اند. افزون بر این، ۴۹/۶٪ اعلام کرده اند میزان حقوق آن ها در زمان طلاق کفاف زندگی شان را نمی داده است. و پس از این مورد، عوامل دینی نقش دارد. اگر عضوی از اعضای خانواده، اعم از زن و شوهر و حتی فرزندان، اگر مقید به قیودات دینی نباشند اختلاف آن ها روزبه روز بیشتر می شود تا جایی که حتی ممکن است که خانواده از هم گسسته شود. بنابراین پس از ذکر این عوامل، در تمامی جوامع و خانواده ها باید به راهکار های حل اختلاف های خانوادگی پرداخته شود. در این قسمت چکیده فقط به ذکر آن ها می پردازیم: ۱- پذیرش و تعهد نسبت به سلسله مراتب در خانواده ۲- حل مشکلات عاطفی و جنسی ۳- روش حل اختلاف در موارد نشوز ۴- مشاوره و حکمیت و در آخرین شیوه با مشکلات خانواده، جدایی رسمی زن و شوهر یا طلاق است. که در متن اصلی به بررسی اجمالی هر کدام پرداخته شده است.

کلید واژه: نفقه، خانواده، تعارض، طلاق، تعالیم اسلامی، بیکاری.

فهرست

۱.....	مقدمه
	۱- عوامل مؤثر بر تعارض ها و اختلاف های خانوادگی
۲.....	۱-۱- عوامل روانشناختی.....
۴.....	۱-۲- عوامل اقتصادی.....
۵.....	۱-۳- عوامل دینی.....
	۲- راهکارهای حل اختلاف های خانوادگی براساس تعالیم اسلام
۶.....	۲-۱- پذیرش و تعهد نسبت به سلسله مراتب در خانواده.....
۸.....	۲-۲- حل مشکلات مربوط به فرزندان.....
۹.....	۲-۳- حل مشکلات عاطفی و جنسی.....
۹.....	۲-۴- روش حل اختلاف در مراحل نشوز.....
۱۱.....	۲-۵- مشاوره و حکمیت.....
۱۲.....	۲-۶- جدایی زن و شوهر.....
۱۴.....	نتیجه.....
۱۵.....	فهرست منابع.....

مقدمه

خانواده یکی از نظام های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکرد های خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب ترین نظام برای تامین نیاز های مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تامین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیاز های عاطفی افراد فراهم نموده است. با این حال، در عصر حاضر نظام خانواده دچار مشکلات و چالش های اساسی گردیده و حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز زیر سوال رفته است. متاثر از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، در بیشتر جوامع از جمله ایران مشکلات متعددی برای خانواده پدید آمده است؛ اختلاف های خانوادگی، طلاق، فرزندان بی سرپرست و بزه کاری نوجوانان و جوانان، نشان دهنده ی مشکلات اساسی در خانواده های ماست. سنت ها، اخلاقیات و روش هایی که به تقویت خانواده می انجامد، بعضاً متزلزل شده اند و دوری از هویت ملی و دینی و پذیرش هویت های دنیا گرایانه و دور از اخلاقیات انسانی، بسیاری از مردم ما را تهدید می کند.

همه این مشکلات نشان می دهد که خانواده ها نیازمند توصیه های تربیتی و روان شناختی بسیاری برای رویارویی با پیچیدگی های زندگی کنونی، هستند. عوامل موثر بر خانواده به قدری زیادند که برای مقابله با عوامل آسیب زا، نیازمند آموزش و تربیت خانواده ها در سطح ملی هستیم. مهم ترین متون دینی ما، یعنی قرآن و کلمات پیامبر(ص) و معصومان(ع)، سرشار از توصیه های کارآمد و متناسب با عصر حاضر، در باب اساسی ترین مسائل خانواده تا جزئی ترین موارد آن است. مجموعه ی تعالیم اسلامی در مورد خانواده، ما را به نظام و ساختاری رهنمون می کند که پاسخ گوی همه نیاز های مادی، روانی و معنوی خانواده است.

خانواده از مجموعه افرادی تشکیل شده که مسئولیت های متقابلی بر عهده ی آن هاست. این افراد نیاز های مادی، عاطفی و اجتماعی دارند که باید در محیط خانواده بر آورده شود. معمولا اعضای خانواده، برخلاف بسیاری از گروه های اجتماعی دیگر، شامل افرادی از مراحل مختلف سنی و با جنسیت مختلف است. همه این عوامل باعث می شود که زمینه اختلاف بین اعضای خانواده بیش از هر گروه اجتماعی دیگر باشد. البته دلبستگی ها و روابط عاطفی بسیار عمیق در خانواده نیز بیش از هر گروه دیگر است و در صورتی که عوامل دلبستگی در خانواده تضعیف نشود، بسیاری از اختلافات به کمک همین روابط عاطفی، قابل حل و فصل است. در این بخش به بررسی عوامل اختلاف در خانواده و سپس به راهکارهای حل اختلافات پرداخته می شود.

۱- عوامل موثر بر تعارض ها و اختلاف های خانوادگی

در بررسی عوامل مشکلات خانواده که گاه خانواده ها را به فروپاشی کامل می کشاند، به موارد متعددی بر می خوریم که در گستره ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و جسمانی جای می گیرند. اینک با اذعان به تفاوت میزان نقش این عوامل در اختلاف خانوادگی، به بررسی اجمالی آن ها می پردازیم:

۱-۱- عوامل روانشناختی: از عوامل موثر در اختلافات خانواده، مسائل شناختی و هوش زوجین است. نقص در رشد و تحول اجتماعی و عقلانی و به عبارتی دیگر، عدم پختگی، موجب رفتار های ناسنجیده و نا مناسب با شرایط مختلف می شود. افزون بر این، واکنش مناسب به رفتار های دیگران نیز نیازمند تحول یافتگی مناسب است. همین مسئله اختلاف زن و شوهر را فراهم می کند. کم سن و سالی زن و مرد از عوامل دیگر این امر است، به گونه ای که پس از مدتی با فروکش کردن نسبی هیجان جنسی نبود رشد کافی یا بروز رفتار های ناسازگارانه روشن می شود. این مشکل

در جامعه ما نیز دیده می شود. [۱۰] پژوهشی نشان داد که سن ازدواج در زنان در شرف طلاق در مقایسه با افراد دیگر، به طور معنا داری کمتر است. [۱۷]

برخی اختلافات زن و مرد به چگونگی روابط کلامی و غیر کلامی آن ها باز می گردد. عواملی در تعامل زن و مرد مانند سایر تعامل های اجتماعی اخلاص ایجاد می کند. بسیاری از افراد تصور می کنند دیگران از مقاصد و مسائل آنان آگاهی دارند و همین امر موجب می شود در روابط کلامی به بیان همه نکات نپرداخته، با کنایه و استعاره سخن گویند. نکته دیگر آنکه برخی افراد برای بیان قدرشناسی، کمتر از الفاظ استفاده می کنند، در حالی که در انتقاد و ایراد گرفتن، صراحت بیشتری دارند و کم رویی نشان نمی دهند. [۷]

در روابط غیرکلامی، خود برتر بینی با تکبر عاملی برای اختلاف است. تکبر معمولاً در وضعیت بدنی فرد بروز می کند. به نظر می رسد خود محوری و عدم پذیرش ویژگی های فردی دیگران، مانع مهمی برای تفاهم و همکاری در زندگی خانوادگی است. از این رو، در متون اسلامی در مورد تکبر و خود محوری نکوهش هایی وارد شده (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) [۱۵] و حتی گفته شده است که اگر ذره ای تکبر در فرد باشد، وارد بهشت نمی شود. [۱۳]

در روابط عاطفی، عدم توجه به نیاز های یکدیگر به نارضایی در زندگی و اختلاف می انجامد. گاه روابط عاطفی اعضای خانواده با افراد بیرون خانواده قوی تر و با خود اعضای خانواده سرد و منفی است. چنین خانواده ای با مشکلات جدی عاطفی روبرو است و اعضا، خانواده را محیط مناسبی برای ارضای نیاز های عاطفی خود نمی بینند در روابط عاطفی بی اعتنائی، نفرت، وابستگی، حسادت و خودخواهی موجب کشمکش ها در خانواده است. [۱۲]

عدم ارضای نیاز های جنسی، عامل دیگری برای اختلاف زن و شوهر است. عدم توجه به نیاز های جنسی یکدیگر که به ناتوانی، بی میلی یا سرد مزاجی فرد مربوط می شود، با لطمه به روابط زن و شوهر، افراد را دچار عصبانیت و دل سردی نسبت به همسر و زندگی می کند و به تدریج موجب بروز

رفتار های پرخاشگرانه و در نهایت افسردگی می شود. پژوهشی در کشور نشان داد که در میان زوجین متقاضی طلاق، ۱۱٪ عدم تمکین و ۲٪ سرد مزاجی یا ناتوانی جنسی را عامل درخواست طلاق اعلام کرده اند. [۱۰]

۱-۲- عوامل اقتصادی: بخش مهمی از اختلافات خانوادگی به مسائل اقتصادی باز می گردد. در ایران نشان داد از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بیکاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام کرده اند. افزون بر این، ۴۹/۶٪ اعلام کرده اند میزان حقوق آنان در زمان طلاق کفاف زندگی شان را نمی داده است. [۱۰] فقر و بیکاری، به ویژه مرد را تحت فشار قرار می دهد و عاملی برای تعارض ها به شمار می رود. در متون اسلامی نیز به تاثیر این مشکل به فشار های خانوادگی، [۱۵] و آثار ناخوشایند آن در زندگی دنیا و آخرت اشاره شده است [۱۵] همچنین ممکن است توقعات مادی زیاد در خانواده، موجب تعارض و اختلاف شود.

از سوی دیگر، تجمل طلبی و غوطه ور شدن در مواهب مادی و احساس بی نیازی مستانه نیز به رفتار های برتری طلبانه («ان الانسان لیطغی ان رءاه استغنی»، علق/۶ و ۷) و ناسازگاری می انجامد. توجه زیاد به تجملات و ظواهر زندگی، زمینه ای برای دور شدن از روابط انسانی مناسب فراهم کرده («المال ماده الشهوات»، نهج البلاغه، حکمت ۵۸) و افراد را به از خود بیگانگی دچار می کند. در این حالت، ارزش های اخلاقی و دینی جای خود را به امتیاز های مادی و تجملی می دهند.

مسائل مربوط به اشتغال مرد و زن نیز ممکن است زمینه برخی اختلافات شود. اشتغال زنان در بیرون از خانه، با توجه به سنگینی مسئولیت های آنان به ویژه در فرهنگ ما، ممکن است آنان را از ایفای مسئولیت های خانوادگی ناتوان کرده و موجبات اختلاف را فراهم آورد. گاه اشتغال زنان، زمینه ای برای استقلال طلبی است که به نوعی کیان خانواده را به خطر انداخته است. همچنین کار بیش از حد که موجب حضور کمتر در محیط خانواده است، به روابط عاطفی مناسب ضربه زده و موجبات اختلاف را فراهم می کند.

۱-۳- عوامل دینی: عدم توجه اعضای خانواده به باور های دینی و انجام رفتار های خارج از محدوده

ی مجاز شرعی، زمینه ای برای ضربه به روابط عاطفی مثبت اعضای خانواده و بروز اختلافات می شود. آزار به والدین و ناخشنود ساختن آن ها (« و برا بوالدتی و لم يجعلنی جبارا شقیا» مریم/۳۲) گاه موجب فروپاشی ساخت خانواده و واکنش تند و نامتعادل والدین نسبت به فرزندان می شود.

شراب خواری که موجب رفتار های نا بهنجار(مأثده/۹۰) و پیامد های نامطلوب بهداشتی و در نهایت، روانی می شود، زمینه ی اختلاف را فراهم می کند. این رفتار که در تعالیم اسلام به شدت مورد نهی قرار گرفته، می تواند از دو جهت به خانواده آسیب برساند: در روابط زوجین و تنظیم روابط جنسی اختلال ایجاد کند، موجب خشونت و بد رفتاری به همسر شود، همسر را از نقش همسری و مادری دلسرد کند و پایگاه اجتماعی زن را تنزل دهد. در روابط با فرزندان نیز ممکن است موجب رفتار های نا بهنجاری مانند زنا با محارم شود، زمینه پرورش نسل معیوب و بیمار را فراهم کند، مراقبت از کودکان و فرایند جامعه پذیری آنان را مختل نماید، پایگاه اجتماعی فرزندان را تنزل دهد و در نهایت، امنیت اقتصادی خانواده را سست گرداند. ترک وظایف دینی، به ویژه نماز، خواه ناخواه بر زندگی فرد آثار ناخوشایند بر جای می گذارد. غیبت کردن، ظاهر نمودن نقص های فرد در غیاب اوست که با عیب جویی و محاکمه غیابی، حرمت فرد شکسته می شود و به روابط بین فردی آسیب می رساند. قرآن این رفتار را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده(حجرات/۱۲) تا نفرت افراد را نسبت به آن برانگیزاند.

یکی از عوامل مهم اختلاف در خانواده ها، استفاده از روش های غیر موجه و نا متعارف برای برقراری روابط مناسب بین اعضای خانواده به ویژه بین زن و شوهر است. در متون اسلامی به مواردی اشاره شده که برای ایجاد روابط عاطفی مثبت یا برای اختلاف افکنی از روش هایی مانند جادوگری استفاده شده است.(بقره/۱۰۲) و حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که زنی را به دلیل سحر کردن شوهرش برای جلب محبت بیشتر او، به شدت سرزنش کرد.[۱۳] فال گرفتن که یکی از این

موارد است، در عصر حاضر نیز شیوع دارد، و گاه به عنوان وسیله ای برای ایجاد روابط مثبت یا حل مشکلات و اختلافات خانوادگی به کار می رود. معمولاً در فال گیری ها و روش های ناموجه که از دیدگاه دین و علم نادرست است، به افراد توصیه هایی می شود یا برای آن ها ذهنیت هایی ایجاد می گردد که در اثر عمل به آن ها، زمینه ای برای رفتار های نا بهنجار و تشدید کننده اختلاف فراهم می آید. [۶] تفاوت مراتب ایمانی و برداشت ها از دین نیز به تعارض هایی در خانواده می انجامد. گاه در ابتدا زن و شوهر شناخت کافی نسبت به هم ندارند و پس از مدتی با درک تفاوت های عقیدتی و به تبع آن رفتاری، به توافق و سازگاری نمی رسند و هر روز به کشمکش بیشتری می پردازند. [۴]

۲- راهکارهای حل اختلاف های خانوادگی بر اساس تعالیم اسلام

در این بخش به راه هایی اشاره می کنیم که پس از بروز و تشدید اختلاف، از آن ها استفاده می شود و بیشتر جنبه رفع مشکل دارد تا پیشگیری از آن.

۲-۱- پذیرش و تعهد نسبت به سلسله مراتب در خانواده: یکی از کاربرد های موثر سلسله مراتب در خانواده، حل مشکل در مواردی است که اعضای خانواده پس از بحث و بررسی و ارائه دلایل متعدد، به تصمیم واحدی نرسیده اند و اختلاف باقی است. در این شرایط، در برخی مسائل باید به نظر مرد خانواده، یعنی شوهر، توجه و به آن عمل شود. برای نمونه، خروج زن از محیط خانه باید با اجازه و رضایت شوهر باشد. بدیهی است اگر بین زن و شوهر در این مورد اختلافی بروز کند و هیچ یک نتواند دیگری را قانع کند، برای حل اختلاف از نظر تعالیم اسلام، پیروی زن از شوهر مناسب ترین راه ممکن است. همین طور در مورد کودکان و نیز انتخاب محل سکونت، اگر مشورت به توافق منجر نشد، نظر شوهر باید رعایت شود، زیرا این مسائل متضمن هزینه های اقتصادی است که شوهر متکفل آن است.

البته مرد نمی تواند برخلاف عرف و مصلحت، نظری را بر همسر و فرزندان خود تحمیل کند و در صورت پافشاری او بر این رفتار باید مراجع بالاتری به حل مشکلات خانواده بپردازد.

با رشد کودکان و رسیدن آن ها به مرحله نوجوانی و جوانی، گاه در خانواده ها، اختلافاتی پدید می آید که در واقع به عدم رعایت اقتدار والدین باز می گردد. در پژوهش های روان- تاریخی به الگویی از روابط والدین و فرزندان به عنوان یاری دهنده اشاره شده است که بر اساس آن فرزندان، والدین خود را بیشتر خدمت کار و نه دارای اقتدار می پندارند، زیرا آن ها بهتر از والدین آگاه اند که در هر مرحله ی تحول چه چیز برای آن ها مفید و مطلوب است. [۳] همین الگو باعث شده که فرزندان، از روی توقع و طلبکارانه با والدین برخورد کرده و در اختلاف ها به آرای آن ها وقعی نهند و مشکلات را تشدید کنند.

بر اساس تعالیم اسلام، فرزندان در هر مرحله ی سنی یا جایگاه اجتماعی، باید برای دیدگاه های پدر و مادر ارزش قائل شوند و در حد امکان از آرای آن ها پیروی کنند، بر اساس روایتی از حضرت علی علیه السلام که می فرمایند:

«وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ». (نهج البلاغه، حکمت

۳۹۹)؛ حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به

او بیاموزد.»

مگر آن که این امر، مستلزم تخلف از قوانین دینی و عرفی باشد. تا وقتی که فرزندان در چارچوب خانواده ی اصلی زندگی می کنند، در اختلاف ها و تشخیص مصالح باید به آرای والدین اولویت دهند، زیرا مسئولیت اداره آن ها به عهده والدین است. طبق سوره لقمان آیه های ۱۴-۱۵ که خداوند می فرماید:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ

إِلَى الْمَصِيرِ (لقمان/۱۴)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با زحمت روی زحمت حمل کرد، (و به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمل می شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد(آری به او توصیه کردم) که شکر برای من و برای پدر و مادرت به جا آور که بازگشت همه به سوی من است.

۲-۲- حل مشکلات مربوط به فرزندان: در اینجا نیز به راه حل های دیگری برای جلوگیری از تعارض و اختلاف های والدین و فرزندان بیان می کنیم.

در مرحله ی اول، والدین باید علت رفتار ناسازگارانه یا اختلاف برانگیز فرزندان را درک کنند. فرزندان در خانواده ممکن است برای جلب توجه و در مرحله ای برای قدرت طلبی و به تعبیری، پیروزی در منازعه قدرت با والدین به رفتاری ناسازگار دست بزنند. در مرحله ای نیز ممکن است برای انتقام و آزار والدین و گاه برای نمایش بی لیاقتی خود به رفتاری ناسازگار دست بزنند. در طرف مقابل، گاه والدین نیز درگیر منازعه طلبی یا رفتار انتقام جویانه فرزند می شوند. در این شرایط، والدین باید در مرتبه نخست، رابطه مناسب و موثری با فرزند برقرار کنند. در این باره، چند نکته حائز اهمیت است:

اولا: احترام متقابل بین فرزندان و والدین در هر مرحله ی سنی، ضروری است، ثانيا: باور به توانایی های فرزندان، دلگرم کننده ی آن هاست، ثالثا: ابراز محبت به شیوه های کلامی و غیر کلامی به فرزندان و صرف وقت برای تفریح و سرگرمی آن ها، رابعا: باید به آزادی فرزندان احترام بگذاریم و به آنان فرصت تصمیم گیری بدهیم و از زیاده روی در انتقام و ملامت خودداری نماییم.

مرحله بعد، دوری از درگیری و مشاجره به هنگام حل مشکل فرزند است. بنابراین، والدین پس از تصمیم گیری فقط به عمل اکتفا کنند؛ به عبارت دیگر، گفت و گو ها و مشاجره هایی را که موجب گسترش اختلاف می شود، حتی المقدور رها کرده و با عمل خود و دوری از موقعیت تنش زا شرایط را آرام کنند.

۲-۳- حل مشکلات عاطفی و جنسی: گاه روابط عاطفی زن و مرد به علت رفتار های نامناسب،

مانند پرخاشگری کلامی و غیر کلامی و بی اعتنایی به هم، به سردی کشیده می شود. در این باره، توجه هر یک از زن و مرد به توصیه های اسلام می تواند تاحدی مشکلات را حل کند. یک توصیه ی اساسی به مرد آن است که در هر صورت با همسرش مدارا کند. این اصل کلی مرد را بر می انگیزد که به صرف یک رفتار نامناسب زن، روابط را با واکنشی تند، ناخوشایند نکند. توجه به نکته های دیگری نیز مرد را از رفتار نامناسب باز می دارد، از جمله این که زن را در دست خود امانتی بداند، که بد رفتاری و ستم نسبت به او موجب خشم خداوند می شود. هم چنین این نکته را یاد آور شود که به بر قراری روابط عاطفی مثبت با زن تاکید و توصیه شده است. از طرف دیگر، به زنان نیز توصیه هایی شده، از جمله این که به هنگام اختلاف، سعی بر حل آن و رفع سوء تفاهم ها در کمترین زمان ممکن داشته باشند. [۱] در این مورد گفته شده است که زن سعی کند مسائل اختلافی حتی به روز بعد کشیده نشود و در همان شبانه روز اول حل و فصل شود. [۱۴] علاوه بر این، سعی کند با مهار خویش در مقابل رفتار نامناسب همسر، همه ی جنبه های مثبت روابط یکدیگر را زیر سوال نبرد. [۱] پذیرش معذرت خواهی همسر، و گذشت از خطاهای [۱] او، به حل مشکل کمک می کند. در روابط جنسی، از زن خواسته شده که در حد امکان با مرد همراهی کند و از مخالفت و درگیری در این زمینه، خودداری نماید. به مرد نیز توصیه شده که نیاز زن را در نظر گرفته و فقط به فکر ارضای نیاز های خود نباشد. با این توصیه ها بسیاری از اختلاف های زن و شوهر حل می شود. اما گاهی به مرحله ی نشوز می رسد. در اینجا به این موضوع می پردازیم.

۲-۴- روش حل اختلاف در موارد نشوز: از نظر حقوقی، نشوز به معنای عدم ایفای وظایف

زناشویی هر یک از زوجین است. [۸] کلمه نشوز در قرآن در مورد زن و مرد به کار رفته و در هر مورد، روش مناسبی برای حل مشکل بیان شده است. (نساء/ ۳۴ و ۱۲۸) اگر شرایط به گونه ای شود که زن در زندگی خانوادگی به وظایف خود، از قبیل همراهی در روابط جنسی و هماهنگی با همسر در ورود و

خروج از خانه عمل نکند و در امور خانواده ناسازگاری در پیش گیرد، دین اسلام برای حل مسئله و بازگشت زن به زندگی خانوادگی و ایفای وظایف، شیوه ای را در سه مرحله ارائه داده است که عمل به مرحله دوم یا سوم، مشروط به عدم تاثیر مرحله قبل می باشد. البته رفتار مرد باید به گونه ای باشد که شرایط به این حد نرسد.

برای حل نشوز زن، قرآن به سه مرحله اشاره و از اولین مرحله طبق سوره نساء آیه ی ۳۴ که خداوند متعال می فرماید:

... وَ الَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ... (نساء/۳۴)

و(اما) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید!

با تعبیر «فِعْظُوهُنَّ» یاد می کند. در این مرحله، مرد از طریق ارتباط کلامی که شامل نصیحت های دلسوزانه و راهنمایی مشفقانه است از زن می خواهد که به وظایف خود عمل کند. نصیحت با کلام محبت آمیز همراه با هدیه یا هر کار تشویق کننده بسیار موثر خواهد بود. زنان به روابط کلامی حساس تر هستند و بیشتر مایل اند مسائل خود را از طریق روابط کلامی ابراز نمایند.

بدون تردید موعظه های قرآن بیشترین تاثیر را در افراد دارد. در صورتی که این روش سودمند نبود، قرآن به مرحله دوم یعنی

... وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ... (نساء/۳۴)

و(اگر موثر واقع نشد) در بستر از آن ها دوری نمایید!

که دوری از زن در بستر است، اشاره می کند. پشت کردن در بستر، ترک روابط جنسی، قطع روابط کلامی و معاشرت، از شیوه هایی است که در این مرحله استفاده می شود. [۵] البته در برخی کلمات اولیای دین علیهم السلام فقط بر دوری در بستر تاکید شده است. [۹] به نظر می رسد این تنبیه نباید به جدایی بستر و اتاق خواب منجر شود، زیرا ممکن است این رفتار به ناسازگاری و رفتار بدتری منجر شود. دوری در بستر، آثاری دارد که با جدایی بستر و ترک اتاق خواب حاصل نمی شود و این

جدایی نباید بیش از سه روز ادامه پیدا کند و فقط در صورت عدم تاثیر آن می تواند به مرحله سوم وارد شد.

... وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. (نساء/۳۴)

و (اگر آن هم موثر واقع نشد و هیچ راهی برای وادار کردن آن ها به انجام وظایفشان نبود) آن ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند به آن ها تعدی نکنید و (بدانید) خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

در این مرحله صحبت از تنبیه بدنی یا زدن زنان است. همه صاحب نظران مسلمان، چگونگی این تنبیه بدنی را محدود به شرایط و قیودی نموده اند. [۱۸] در مجموع، این تنبیه در حد خفیفی جایز شمرده شده تا در واقع، نوعی ضربه عاطفی به زن وارد شود که شدتش از دوری نمودن در بستر کمی بیشتر باشد.

همه صاحب نظران مسلمان، زدن زن را در حدی جایز می دانند که هیچ گونه آسیبی مانند جراحت، سیاهی و کبودی و حتی قرمزی به بدن زن وارد نشود. [۱۶] در برخی روایات زدن را با چون مسواک که چوب نازک و کوتاهی است، تجویز نموده و زدن به صورت را اجازه نمی دهد.

۲-۵- مشاوره و حکمیت: بخشی از مشکلات خانوادگی به مسائل جوامع صنعتی کنونی باز می گردد که جامعه ما از آن مستثنا نیست. بزرگ ترین تحول ساختاری در خانواده ایرانی در دهه های اخیر، تبدیل خانواده گسترده به هسته ای است که این امر در چگونگی روابط اعضای خانواده، اهمیت عاطفی اعضای خانواده برای هم، معنا و مفهوم خانواده، اقتصاد خانواده و نقش جنسیت ها تغییر اساسی ایجاد کرده است. در اثر همین امر، برخی روش های جمعی غلبه بر مشکلات خانواده و استفاده از ذخایر عاطفی-تجربی اطرافیان، تا حدی تضعیف شده است. در این شرایط، حل مشکل غالباً بر عهده ی زوجین است. از طرفی غالباً افراد از ابزار و مهارت های ارتباطی کافی برای طرح، تبادل نظر و یافتن راه حل های ممکن برخوردار نبوده و در نتیجه، به جای حل مسائل، به انکار آن ها

می پردازند. این امر پیامد های مخربِ دراز مدتی، مانند از خود بیگانگی، سر خوردگی و تخریب متقابل بر جای خواهد گذاشت.[۳]

با توجه به این نکته ها، گاه استفاده از سایرین، به ویژه متخصصان خانواده درمانی، ضروری است. تعالیم اسلام بر استفاده از نظر دیگران در همه امور زندگی تاکید کرده است. البته مشاور باید از شرایط و توانایی های لازم برای حل مسائل خانواده برخوردار باشد. برخی از شرایط عمومی مشاور عبارتند از: عالم و صاحب نظر در موضوع مورد مشاوره و زمینه های آن، توانایی ایجاد ارتباط عاطفی با دیگران، خلوص و خالی بودن از هر گونه سوء نیت حلم و بردباری، رازداری، توانایی ادامه مشاوره، الگوی مناسب بودن و تقوا.[۱] نکته مهم دیگر توجه به باور ها و ارزش های زوجین است.

۲-۶- جدایی زن و شوهر: آخرین شیوه برخورد با مشکلات خانوادگی، جدایی رسمی زن و شوهر یا طلاق است. گاه ادامه زندگی خانوادگی نه تنها موجب نشاط و آرامش و کارایی بیشتر اعضا نمی شود، بلکه به آسیب روانی و بروز رفتار نا بهنجار منجر می شود. در این شرایط که همه راه های اصلاح و حفظ بنیاد خانواده به بن بست رسیده است، جدایی رسمی زن و شوهر، راه حلی برای خاتمه مشکلات و تنیدگی اعضای خانواده است.

از نظر اسلام طلاق امری ناخوشایند است و گفته شده که منفور ترین امور نزد خداوند خانه ای است که به واسطه طلاق ویران شود. از کلمات اولیای دین اسلام نیز زشتی و فاجعه آمیزی طلاق استفاده می شود تا حدی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: به حدی به من در مورد زن سفارش شد که گمان کردم طلاق دادن زن جز در صورت ارتکاب زنا از سوی او سزاوار است.[۱] ولی در شرایطی که ادامه زندگی با آرامش روانی میسر نباشد، طلاق زن منعی ندارد[۱] و حتی ادامه زندگی مشترک، موجب ضرر است.(بقره/۲۲۹) دین اسلام، طلاق را در قوانین خود پذیرفته است، زیرا گاه به هر دلیل موهوم و مقطعی روی دهد. از طرفی حد طلاق را سه بار قرار داده و پس از مرتبه سوم اگر مردی بخواهد با همسر مطلقه خود ازدواج کند، باید قبل از آن، زن با

مرد دیگری ازدواج کند و پس از طلاق می تواند دوباره به عقد همسر اول (بقره/۲۳۰) در آید و این قانون در واقع، شیوه ای برای جلوگیری از طلاق های مکرر و بدون دلیل است.

از آن جا که طلاق به متلاشی شدن خانواده منجر می شود و عوارض نامطلوبی برای همه ی اعضای خانواده دارد، از جمله قرار دادن شرایط خاص زمانی [۸] و وجود شاهد هایی برای انجام آن که دشوار تر از انجام عقد ازدواج است. افزون بر این، پس از طلاق نیز در شرایط خاص، زن و شوهر می توانند در ایام عده بدون عقد ازدواج، بلکه با یک لبخند رضایت، زندگی مشترک را از سر بگیرند. [۸] هم چنین لزوم سکونت زن در ایام عده در منزل مرد طبق قوانین اسلام می تواند زمینه ی عاطفی ای فراهم کند تا زن و مرد بار دیگر به هم پیوند بخورند و زندگی خانوادگی آن ها گسسته نشود. در هر حال، اگر اختلاف زن و شوهر به طلاق کشید، دین اسلام طبق سوره بقره آیه ی ۲۲۹:

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ...

توصیه می کند که طلاق همراه با احسان و نیکی به زن باشد و نباید به حدی زن تحت فشار قرار گیرد که ناچار شود با گذشت از همه حقوق خود تن به طلاق دهد. بر طبق سوره ی نساء آیه ی ۱۹ که خداوند می فرماید:

... وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ...

در صورتی که طلاق همراه با احسان و نیکی به زن و پرداخت همه حقوق او بر مبنای صحیح و مقبول باشد، زمینه ازدواج مجدد و شروع زندگی متعادل تری برای هر یک از زن و مرد بهتر فراهم خواهد شد. [۴]

نتیجه

اولین و تاثیر گذار ترین اجتماع در جامعه، خانواده می باشد که بیشترین تاثیر روانی، رفتاری، اجتماعی و اخلاقی را بر کل جامعه بشر دارد. خانواده از اساسی ترین بنیاد جامعه است که اگر در اولین گام به علت های اختلاف و تعارض ها در خانواده ها و به مطالعه و پژوهش در این علت ها پرداخته و بررسی شود، در اصل در همان ابتدا ریشه یابی شده است. و در گام بعد می بایست به راهکار های حل این تعارض ها پرداخت. که با پرداختن به این دو گام و اطلاع رسانی به کل جامعه و خانواده ها بسیاری از تنش ها و عوامل طلاق و تزلزل خانواده جلوگیری می شود.

به نظر می رسد، که می بایست مسئولان در تمام مقطع ها، از ابتدایی تا دانشگاه، به امور اخلاقی، اجتماعی و ... و علی الخصوص دینی دانش طلبان توجه ویژه کنند تا از بسیاری از اختلاف هایی که در آینده برای آن ها در محیط خانواده و اجتماع اتفاق می افتد، جلوگیری شود. که اگر همه ی این نکات رعایت شود جامعه ای سالم و به دور از چندگانگی خواهیم داشت.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱- حر عاملی، محمد بی حسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبد الرحیم رانی شیرازی، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ۱۹۹۱ م.

۲- حسینی، ک، «نگاهی به پدیده فال و فالگیری در ایران»، ایران دخت، ش ۱۱، ۱۳۸۱.

۳- زیمون، ف.ب، مفاهیم و تئوری های کلیدی در خانواده درمانی، سعید پیر مرادی، تهران، همام، ۱۳۷۹.

۴- سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

۵- _____، در آمدی بر نظام خانواده در اسلام، نهم، قم، هاجر، ۱۳۹۲.

۶- سالاری قاینی، محمد، سحر و جادوگری، قم، مشهور، ۱۳۸۰.

۷- ستیر، ویرجینیا، آدم سازی در روان شناسی خانواده، بهروز بیرشک، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.

۸- صفایی، سید حسین و اسد الله امامی، مختصر حقوق خانواده، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶.

۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۸ م.

۱۰- فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی، ستیزه های خانواده و طلاق، تهران، انتشارات منصوری، ۱۳۷۲.

۱۱- فقیهی، علی نقی، مشاوره در آینه علم و دین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۲- قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.

۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، تهران، فرهنگ اهل بیت(ع)، بی

تا.

۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.

۱۵- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

۱۶- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۱۷- میر احمدی زاده، علی رضا، رضامندی زناشویی، مجله اندیشه و رفتار، سال، ش ۳۲، ۱۳۸۲.

۱۸- نجفی، محمد حسن، الجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب السلامیه، ۱۳۶۲.